



<http://www.arianafghanistan.com>



۲۰۱۹/۰۴/۳۰



صلاح الدین سعیدی

## جرگه جرگه است اما مشورتی!



لویه جرگه و جرگه ها در طول تاریخ کشور فیصله های واجب الاجراء برای جوانب مختلف ذیدخل جرگه داشت اما ضمیمه پسوند «مشورتی» در نام این انستیتوت خود خود را منتفی میسازد. با این پسوند «مشورتی» این انستیتوت، این نام با اعتبار خود به ذات خود خود را منتفی میکند.

اصولاً در جرگه و لویه جرگه اتوریتته های طبیعی جامعه اشتراک می کنند و مفهوم انتخاب در آن نقش ندارد. و اما درین جا و در لویه جرگه موجود (۲۰۱۹/۴/۲۸) میکانیزم و مسئله انتخاب اعضای لویه جرگه مطرح شده. این بدان معنا هم است که دیگر آن اتوریتته های طبیعی عنعنوی در جامعه ما برهم خورده و وجود ندارند. از جانب دیگر جرگه زمانی اساس مهم و اهمیت اساسی در کشور ما داشت که پارلمان و انتخابات وجود نداشت. بعد از بوجود آمدن پارلمان و قوای سه گانه دولت این مفهوم و این انستیتوت لویه جرگه صرف و صرف در چوکات مفهوم و مقام تعریف شده در قانون اساسی افغانستان اعتبار و مقام خود را دارد. این لویه جرگه امروزی (۲۰۱۹/۰۴/۲۸) در مطابقت به آن تعریف داده شده در قانون اساسی نیست لذا در سطح یک مشوره دهی برای حاکمیت موجود می ماند و این مشوره دهی برای حاکمیت مشکل ندارد و حاکمیت می تواند با کسی که خواسته باشد مشوره کند.

اما مبتذل ساختن این نام بزرگ مانند ۱۸ سال گذشته مجاز و درست نیست!

اشتراک این و یا آن شخص، جنگ سالار و یا اتوریتته طبیعی باشد به جایش باقی است، اما مشوره برای حاکمیت بدون حضور و مخالفت رئیس اجرائیه؟! و حتی مخالفت رئیس شورای عالی صلح به بین لویه جرگه واقعاً از تناقض و حالت غیر قابل قبول است. بقای رئیس شورایی عالی در پُست اش با وجود مخالفت به لویه جرگه صلح تناقض غیر قابل قبول است.

اما مصرف ۵ میلیون دالری و دادن همه وقت و امکانات دولتی مصارف این جرگه را به ملیارد ها دالر بلند می برد که این قابل قبول نیست!

تعجب آور این است که کسانی که از دو سال بیشتر به تدویر آن تأکید و پاء فشاری [پافشاری] داشتند و در چوکات آن برنامه های صالح و یا شومی [شوم] خود را داشتند و ما از همان آغاز به نهادینه ساختن و نهادینه شدن ساختارهای دیموکراتیک، ملی و مندرج در قانون اساسی پاء فشاری [پافشاری] داشتیم و این نمایش ها (لویه جرگه

مشورتی) را حلال مشکل و دواى اساسى درد جانکاه ملت و وطن نمى شمارديم و نه مى شماريم و آنرا داراى اهميت اساسى نمى دانستم و نمى دانيم، اما بى فايده هم نيست.

آنهايکه [آنهايى که] به تدوير جرگه پاء فشارى داشتند، چطور شد که حال مخالف اند؟ از کجا و چه دستورى گرفتند که جرگه که طرح شان بود و آنرا دواى همه دردها مى دانستند، حال در مخالفت آن قرار دارند؟ جواب هاى اين را هم دارم که در يک جمله اين است که براى شان نه در اول و نه حال منافع و مصالح کشور و جامعه مطرح بود و صرف به اين وسيله و نام مقدس جرگه باز خود را مطرح کردن مى خواستند و حال که چنين نه شد و جرگه از اداره و منجمنت شان خارج شد به مخالفت شديد به آن پرداختند. مردم و اهل فن مى دانند که کى ها چه مى کنند و دارند عده [عده اى] از تمام وسايل مشروع و نامشروع بخاطر اهداف مشخص و محدود خويش استفاده ميکنند.

و اما حدود و ثغور مصالحه روشن اند و لويه جرگه در آن اضافه و کمى کرده نمى تواند. مذاکره و مصالحه سياسى مصالحه و مذاکره سياسى است، نه ايدئولوژيکى و مصالحه با طالب داد و گرفت در بخش نسخه و ايدئولوژى نيست.

مصالحه و مذاکره صرف و صرف توافق بر ميکانيزم تصميم گيرنده اصلى ساختن ملت است و تلاش است تا عوض تفنگ چطور ملت افغان تصميم گيرنده اصلى شود.

مصالحه و مذاکره توافق بر ميکانيزم است تا مشروعيت تطبيق و يا رد اين و يا آن نسخه من و يا آن جانب ديگر از ملت گرفته شود.

مصالحه و مذاکره نه تعين [تعين] حقوق زنان و نه هم قبول و عدم قبول امارت اسلامى و يا قبول و عدم قبول قانون اساسى است. اين مسايل را ملت تصميم ميگيرد و از صلاحيت ملت است! وماعلينا الا البلاغ المبين

